خبر روز

■ **فرزاد جمشیدی بازیگر شد**

سریال «بیست کویید» از جدیدترین تولیدات گروه فیلم و سریال شبکه۲ با بازی فرزاد جمشیدی در مشهد کلید خورد. این سریال به تهیه‌کنندگی رشید حاجتمند سومین سریال در دست تولید شبکه۲ پس از سریال‌های «هادی» و «مهیار عیار» در سال جاری است. «بیست کویید» ۳۰ قسمتی با محوریت وقایع و اتفاقات دوران کرونا، داوطلب شدن عده‌ای از مردم را برای کمک به کادر درمان به تصویر می‌کشد.

■ **رضا شفیعی جم و یوسف صیادی در «شهر هرت»**

داریوش بابائیان از دریافت مجوز پخش سریال خانگی «شهر هرت» خبر داد. او گفت: شهر هرت در ۲۶ قسمت ساخته شده است و بازیگرانی چون محمد شیری، علی صادقی، میرطاهر مظلومی، رضا شفیعی جم و یوسف صیادی در این مجموعه حضور دارند و کارگردانی آن را محمدرضا ممتاز بر عهده دارد. «شهر هرت» از طریق پلتفرم فیلم‌نت به زودی پخش خواهد شد.

■ **لعیا زنگنه زندگی بانوان موفق را روایت می‌کند**

فصل دوم برنامه «پروانه» ویژه بانوان و زنان موفق ایرانی دوشنبه و سه‌شنبه هر هفته حوالی ساعت ۱۵:۴۵ با روایت‌گری لعیا زنگنه از شبکه۵ روانه آنتن می‌شود.
در این برنامه که با محوریت زندگی بانوان موفق و ایثارگر تولید شده از حضور زنان نخبه، مخترع، کارآفرین، نویسنده، ورزشکارِ قهرمان، مدیران نهادهای مختلف، جانباز، پژوهشگران برگزیده و... بهره می‌برد.

■ **«مصلحت» رفع توقیف شد**

سرانجام فیلم سینمایی «مصلحت» با رفع توقیف، جریان اکران عمومی خود را با نمایش در دانشگاه‌ها آغاز می‌کند.
فیلم سینمایی «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه، اثری در ژانر سیاسی-معمایی و محصول مشترک سازمان سینمایی سوره و سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که پس از سه سال بلاتکلیفی، به‌زودی اکران عمومی خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد کرد.

سینمای جهان

نخل طلای کن به فیلم فرانسوی رسید

هفتاد و ششمین جشنواره فیلم کن در حالی به ایستگاه پایانی خود رسید که فیلم فرانسوی «آناتومی یک سقوط» ساخته «جاستین تریه» موفق به کسب نخل طلای بهترین فیلم شد و جایزه بزرگ هیئت داوران نیز به «منطقه مورد علاقه» ساخته «جاناتان گلیزر» رسید.
همچنین «کوجی یاکوشو» برای فیلم روزهای عالی بهترین بازیگر مرد و «مروه دیزدار» برای فیلم درباره علف‌های خشک بهترین بازیگر زن این دوره شد.
اما صحبت‌های جاستین تریت هنگام دریافت جایزه حاشیه‌های جشنواره این دوره را رقم زد. تریت در سخنرانی‌اش از امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه که ماه پیش لایحه بحث‌برانگیز افزایش سن بازنشستگی در فرانسه را از ۶۲ به ۶۴ سال - با وجود اعتراض‌های گسترده - امضا کرد، انتقاد کرد. این کارگردان تأکید کرد کشورش از اعتراض‌های تاریخی بر سر اصلاح سیستم بازنشستگی رنج برده و این اعتراض‌ها هم رد شد و هم به شکلی تکان‌دهنده سرکوب شد.

گفت‌وگو با حمیدرضا شکارسری درباره ویژگی‌های بارز شعر معاصر رضوی

ساده و بی‌تکلف مثل امام رضا علیه‌السلام





صدیقه رضوانی‌نیا | یادم هست سال‌ها پیش در شبی از شب‌های اعتکاف در صحن گوهرشاد حرم مطهر رضوی چند کتاب به معتکفان هدیه دادنـد؛ یکی از آن کتاب‌ها «آسمان زیر ابرها» نام داشت که کتاب اشعار رضوی حمیدرضا شکارسری، شاعر معاصر بود. شعرهای نو شکارسری در این مجموعه به دل می‌نشست و در عین سادگی و صمیمیت زبان حال زائرانی بود که راهی مشهد می‌شدند.
کتابی که اکنون دیگر پیدا کردن آن سخت است و شاعر آن امیدوار است تجدید چاپ شود تا علاقه‌مندان بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند.
پس از سال‌ها حمیدرضا شکارسری؛ شاعر آن اشعار به دل نشسته را اتفاقی در نمایشگاه کتاب تهران امسال دیدم، همین مسئله سبب شد به سمت او بروم و درباره کتاب و شعر رضوی با ایشان گفت‌وگو کنم. گفته‌های این شاعر درباره شعر رضوی در ایام به دهه کرامت خواندنی است. این گفت‌وگو را بخوانید.

■ **در چه حال و هوایی اشعار «آسمان زیر ابرها» را سرودید؟**

من به کتاب به چشم یک پروژه نگاه می‌کنم که از یک نقطه و آگاهانه شروع می‌شود و در نقطه‌ای به پایان می‌رسد.
این کتاب از یک حادثه شروع شد. من بلیتی برای مشهد داشتم اما متأسفانه به پرواز نرسیدم و جا ماندم و در حالی که داشتم از فرودگاه برمی‌گشتم حسرت می‌خوردم که چرا نشد مشهد بروم. چرا جا ماندم و در آن حالت تأسف‌انگیز رسیدم به میدان خراسان، در تهران. قصدم آن بود بروم فرهنگسرای خاوران. میدان خراسان که رسیدم یک لحظه به خودم گفتم: «تو الان در خراسانی! حال آنکه خراسان در جای دیگری است...» این تلنگر شروع شعرهای این مجموعه بود. از آن زمان تا چند ماه بعد که سفر دیگری به مشهد رخ داد من درگیر این موضوع بودم. فکر کنم سال ۸۹ یا ۹۰ بود در یک فرایند سه یا چهار ماهه من این شعرها را سرودم. به لطف خدا کتاب چاپ شد و همان سال، کتاب سال رضوی شد.

■ **بعد این مجموعه چنین اتفاقی دوباره برایتان تکرار شد که شعر رضوی بگویید؟**

اتفاق افتاد ولی دیگر منسجم نبود به صورت تک‌شعر و این‌ها بود. اینکه پیوسته باشد دیگر تکرار نشد. ولی آن زمان به صورت پیوسته بود که حاصلش همین کتاب شد. به خصوص مقدمه کتاب خیلی ماجرای عجیبی داشت که خودم آن را از شعرهایش شاید بیشتر دوست دارم. یادم می‌آید دو سال پیش از این ماجرای جا ماندن از پرواز مشهد؛ دو خودرو با خانواده در یک شب سرد زمستانی به مشهد رسیدیم، برف سنگینی باریده بود و هوا بسیار سرد بود. دو خانواده پرجمعیت بودیم. نیمه شب برفی که رسیدیم مشهد اصلاً نه جایی را داشتیم نه می‌دانستیم در آن تاریکی و سرمای استخوان‌سوز و شب برفی کجا باید برویم. اطراف حرم مستأصل مانده بودیم که چه باید بکنیم که ناگهان جوان لاغر اندامی جلو خودرو ما را گرفت و گفت خونه خونه. من نگه داشتم و سلام کردم. ناصر برادر خانمم که اسمش هم در این کتاب آمده آرام در گوش من گفت نه خطرناک است چطور به این جوان اعتماد کنیم ما را ببرد خدای نکرده بلایی سرمان بیاورد چه کار کنیم. ولی به دل من افتاد که اعتماد کنیم. خلاصه دنبال مرد جوان در آن ظلمات راه افتادیم. در کوچه پسکوچه‌های تاریک اطراف حرم او می‌رفت و ما پشت سرش. هر چه در آن تاریکی و سرما می‌رفتیم، نمی‌رسیدیم. واقعیتش از یک جایی به بعد من هم ترسیدم که واقعاً ما کجا داریم می‌رویم و کاش اعتماد نمی‌کردیم. تا اینکه سرانجام جوان به در خانه‌ای رسید و ایستاد و ما را تعارف کرد که داخل خانه برویم. ما هم در آن نیمه شب برفی و با خستگی‌ای که داشتیم رفتیم داخل و خودروها را در پارکینگ پارک کردیم. یک خانه قدیمی دوطبقه بود که طبقه دوم را به ما دادند و خود مرد جوان رفت طبقه پایین.
روی دیوار خانه عکس یک جوان خوشرو بود. این عکس دلخوشی ما بود و ما را مطمئن می‌کرد که نه انگار مشکلی نیست و اعتماد ما درست است. ما بعد ساعت‌ها رانندگی از تهران تا مشهد، به شدت خسته بودیم و زود خوابمان برد.
صبح که بیدار شدیم، دیدیم طبقه پایین هم کسی نیست و برای اینکه ما راحت باشیم آن طبقه را هم خالی کرده و رفته‌اند یعنی دو طبقه ساختمان با پارکینگ و حیاط و همه امکانات در اختیار ما بود.
وقت نماز صبح، صدای در شنیدیم. در را که باز کردیم یک روحانی جوان با شال گردن سبز و سینی بزرگ صبحانه در دستش وارد شد؛ نان تازه، خامه، پنیر، کره، مربا و چای. برای ما خیلی عجیب بود اصلاً ما را نمی‌شناخت ولی برای ما صبحانه آورده بود آن هم چه صبحانه‌ای! او سینی را گذاشت و رفت. آنجا ما فهمیدیم صاحبخانه، خانواده شهید هستند و آن عکس جوان روی دیوار، عکس شهید این خانواده است. صبحانه را خوردیم و آماده رفتن شدیم. زمان حساب کردن اجاره خانه قبول نکردند و گفتند شما میهمان ما بودید و گفتند: اگر قم رفتید سلام ما را به حضرت معصومه(س) برسانید. خاطره خوب آن سفر همیشه در ذهن من بود و هست و در مقدمه کتاب هم همان را آوردم. خلاصه اینکه این کتاب داستان‌هایی برای خودش داشت که من یکی دو تایش را الان برایتان گفتم.

■ **اشعار رضوی را چقدر دنبال می‌کنید؟**

من فضای کلی این شعر را می‌شناسم و بدون مبالغه بگویم بعد این کتاب جریانی راه افتاد که شعر رضوی از آن فضای سنتی و اشعار متقدم فاصله گرفت و فضاهای جدیدی در این نوع شعر به وجود آمد یعنی شعر رضوی با عناصر و مضامین تازه‌ای سروده شد.

■ **ویژگی بارز این نوع شعر چیست؟**

خیلی صمیمی و بی‌تکلف است و به شدت به مردم نزدیک است مثل خود زائران امام رضا(ع). به همین دلیل مخاطب آن را می‌پسندند این جریان نه در شعر نو که حتی در غزل هم اتفاق افتاد و دیده شد و خیلی از شاعران مثل آقای بیابانکی و به خصوص جوان‌ها این مسیر را دنبال کرده‌اند. ریشه‌ها و نشانه‌های این جریان را به راحتی می‌توان در شعر رضوی دید؛ شعری که شاعر در آن تلاش می‌کند از عناصر و فضاهای سنگین به سمت فضاهای صمیمی‌تر برود. این صمیمیت در فیلم‌هایی که با موضوع امام رضا(ع) هم ساخته می‌شود، دیده می‌شود. پیشتر فیلم‌ها فقط در حرم می‌گذشت ولی اکنون به آدم‌های پیرامون امام رضا(ع) و موضوعات غیرمستقیم هم پرداخته شده و توجه می‌شود.
می‌شود گفت این نوع اشعار خیلی باورپذیر و صمیمی است و راحت می‌شود با آن ارتباط برقرار کرد. یک نوع نگاه عینی و واقعی به زندگی مردم و زائران و آدم‌های این زمانه دارد که به امام رضا(ع) علاقه دارند و عشق می‌ورزند.

■ **حال و هوای مجموعه شما خیلی شبیه به غزل آقای بهمنی است با این مطلع که «شرمنده‌ام که همت آهو نداشتم...» که این غزل هم تجربه شخصی ایشان است...**

بله به خاطر همین این غزل در عین شاعرانه بودن خیلی قابل فهم است انگار برای خود ما این ماجرا اتفاق افتاده است.

دیدگاه

افول یک ستاره در میان سیاهی لشکر

زهره کهندل | محمدرضا گلزار اگرچه گیتاریست و والیبالیست خوبی نشد و در موسیقی و ورزش از حد متوسط عبور نکرد اما در سینمای دهه ۸۰، یکی از ستاره‌های سینمای ایران بود که فیلم‌هایش در گیشه فروش نسبتاً خوبی داشت اما افول این ستاره در اواخر دهه ۹۰ شدت بیشتری گرفت و چند سالی است که نامش در هیچ فیلم سینمایی به چشم نمی‌خورد. نوازنده گروه آریان در اواخر دهه ۷۰ با فیلم «سام و نرگس» وارد سینما شد و اوایل دهه ۸۰ به عنوان مدل، عکسش روی بیلبوردهای تبلیغاتی رفت. بازیگر چشم‌رنگی و خوش‌استایل جوانی وارد سینما شده بود که سلیقه گیشه آن روزگار بود. او در این سال‌ها از شهرتش، بهره اقتصادی زیادی برد و با ظهور بازیگران مستعد جوان دیگری که خاک صحنه تئاتر خورده بودند و از پس نقش‌های پرچالش برمی‌آمدند، به حاشیه رفت. او بازیگر خوبی نبود اما گیشه پرفروشی داشت و برای بازی در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های شبکه نمایش خانگی، دستمزدهای نجومی می‌گرفت که شکست فیلم‌هایش در گیشه سبب شد تهیه‌کنندگان در انتخاب استارهایشان تجدیدنظر کنند. چند سالی می‌شود که نام گلزار در ترکیب بازیگران هیچ فیلم و سریالی دیده نمی‌شود. حالا او، بیشتر مشغول فعالیت‌های تبلیغاتی و اقتصادی خودش است و یکی از راه‌های کسب درآمدش، از صفحه اینستاگرامی‌اش با بیش از ۱۲ میلیون دنبال‌کننده است. آنچه این روزها موجب ایجاد حاشیه‌های زیادی برای این بازیگر شده، آخرین پست صفحه شخصی‌اش است که از سیل طرفدارانش در افتتاحیه یک مرکز تجاری، غافلگیر شده، تشکر کرده و البته کامنت این پست را هم بسته است. پست آخر او واکنش‌هایی را از سوی منتقدان سینمایی داشته است.
دامـون قنـبـرزاده، منتقد سینمایی در صفحه شخصی‌اش به کلیپ تبلیغاتی گلزار واکنش نشان داده و این جمعیت انبوه را بلبشویی حیرت‌انگیز و عبرت‌آموز توصیف کرده و نوشته است: «این بلبشو زمانی حیرت‌انگیز و عبرت‌آموز جلوه می‌کند که با یک استدلال ساده به این نتیجه می‌رسیم تمامش ساختگی است؛ سیاهی لشکر آموزش دیده و «توجیه‌شده» باید شلوغ کنند و این طور نشان دهند که آقای سابقاً ستاره، هنوز هم می‌درخشد و طرفدار دارد». او تأکید کرده آقای گلزار خودش بهتر از هر کسی می‌داند که حتی همان وقت‌ها هم که در سینما بود، فیلم‌هایش با شکست تجاری مواجه می‌شد، چه برسد به این روزها که دیگر سینما اولویت خیلی‌ها نیست، روزهایی که دیگر ستاره‌ها تعیین‌کننده نیستند چون دیگر «ستاره»‌ای وجود ندارد.
به باور قنبرزاده، ارتباطی که میان این جمعیت سیاه‌لشکر و گلزار وجود دارد ارتباطی براساس منافع دوطرف است نه عشق و علاقه.

فرهنگ و هنر

محمد معتمدی برای سیستان خواند

تک‌آهنگ «سیستان» عنوان یکی از تازه‌ترین قطعات منتشر شده به خوانندگی محمد معتمدی است که در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. بهمن محمدزاده شاعر، افشین عزیزی آهنگساز و تنظیم‌کننده، یونس دهمرده مدیر پروژه، حامد غلامی عکاس و کیارش کاویان طراحی کاور این تک‌آهنگ را تشکیل می‌دهند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت خمیر مایه رضوی
(سهامی عام) شماره ثبت ۱۲۴۴۷ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۸۱۳۶۵

بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی به طور فوق‌العاده این شرکت در ساعت ۱۵ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۳ در محل مشهد، بلوار خیام بین خیام ۳۳ و ۳۵ و به کدپستی ۹۱۸۵۹۱۷۱۱۱ بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده:
۱- انتخاب مدیران
۲- انتخاب بازرس

هیئت مدیره شرکت خمیر مایه رضوی(سهامی عام)

۴۰۲۰۲۹۴۱

آگهی مزایده عمومی

شهرداری تربت جام در نظر دارد نسبت به اجاره فضای جمعه بازار شهرداری واقع در بوستان وحدت و انتهای کشتارگاه جهت کنترل و ساماندهی فروشندگان محلی و غیر محلی به مدت یکسال اقدام نماید. از متقاضیان درخواست میگردد جهت اخذ اسناد مزایده به سامانه ستاد مراجعه و یا با تلفن ۱۲ - ۰۵۱۵۲۵۲۷۹۱۱ تماس حاصل نمایند .
شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .
سایر موارد مربوط به آگهی و مزایده در اسناد مزایده درج گردیده است جهت دریافت اسناد از تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ به سامانه ستاد مراجعه نمایید .
آخرین روز تحویل مدارک به دبیرخانه شهرداری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸
بازگشایی پیشنهادات: ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۹
اصغر خوشخو- شهردار تربت جام

۴۰۲۰۲۹۵۷ ج

آگهی مناقصه

موضوع مناقصه: نمایشگاه بین المللی مشهد در نظر دارد پیمانکار انجام نگهداری فضای سبز واقع در نمایشگاه بین المللی مشهد را از طریق مناقصه عمومی انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت نمایشگاه بین المللی مشهد به آدرس WWW.EXPO.IR و سایت سامانه تدارکات الکترونیکی WWW.SETADIRAN.IR مراجعه نمایند.
شرکت نمایشگاه بین المللی مشهد

۴۰۲۰۲۹۴۲

آگهی حق تقدم شرکت ریسندگی پشم تاب ایران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۱۸۴

به اطلاع کلیه سهامداران شرکت ریسندگی پشم تاب ایران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۱۸۴ می رساند که با عنایت به مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۲/۱/۱۲ و تعویض اختیار عملی نمودن افزایش سرمایه به هیات مدیره، نظر به اینکه مقرر است سرمایه شرکت از مبلغ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۲۰۰۰۰ سهم ۵۰/۰۰۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده اشخاص از شرکت یا آورده نقدی یا توامان افزایش یابد، لذا از کلیه سهامداران محترم شرکت درخواست می شود که از تاریخ نشر این آگهی به مدت ۶۰ روز از حق تقدم خود نسبت به حقوق خود و حق تقدم در افزایش سرمایه به نسبت سهامشان استفاده نمایند و مبلغ رسمی خرید سهام را به حساب پس انداز جاری شماره ۹۴۰۹۸۹۴۳۴۸ بنام شرکت نزد بانک ملت شعبه بلوار جمهوری واریز و فیش مربوطه را به نشانی استان یزد- شهرستان یزد- بخش مرکزی- شهر یزد- دروازه قرآن- کوچه (شادریس)- بلوار آیت اله فقیه خراسانی- پلاک ۰- کدپستی ۸۹۱۸۴۱۶۳۴۳ تسلیم نماید. اشخاص دارای مطالبات حال شده وفق مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ قانون تجارت نسبت به ارائه درخواست و امضا ورقه خرید سهم و پذیره نویسی سهام جدید به دفتر شرکت به نشانی استان یزد، شهرستان اردکان، بخش مرکزی، دهستان محمدیه، آبادی شهرک صنعتی اردکان، محله شهرک صنعتی، کوچه (سنگبری)، بلوار کاج، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی ۸۹۵۳۱۴۶۳۱۹ مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر، هیات مدیره می تواند سهام باقیمانده را به سایر متقاضیان واگذار نماید.
وفق ۱۸۱ قانون تجارت، هیات مدیره حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هریک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی اطلاع خواهد داد.
هیات مدیره شرکت

۴۰۲۰۲۹۳۳ ج



